

مطالعه تطبیقی دیدگاه شهید مرتضی آوینی و محمد مددپور در نقد سینمای دینی

شاهد پیوند

چکیده

شهید سید مرتضی آوینی و مرحوم محمد محمد پور دو منتقد و نظریه پرداز سینمای ایران، نظرگاه متفاوتی به سینما و سینمای دینی دارند. آن‌ها از دیدگاه یک متفکر و فیلم سازو نویسنده ایرانی سعی در بازتعریف ماهیت سینما و مفهوم سینمای دینی و نسبت آن با دین داشته‌اند. کماکان تدوین نظریه‌ها در سینمای ایران توسط منتقدین و سینماگران وجود داشته ولی نظریات مختلف در سینمای دینی و رشد دیدگاه‌های ایشان نسبت به نظریه سینمای دینی همچنان دارای اشکالات مختلفی بوده و هنوز نظریه‌های کارآمدی در این حوزه تدوین نشده است. بنابراین ضروری است که محققین حوزوی و دانشگاهی و اهالی هنر و رسانه در مطالعات خویش بیش از پیش به تحقیق و تحلیل سینمای دینی بپردازند. در این پژوهش همت بر آن بوده نحوه تعامل نگرش‌ها و مؤلفه‌ها و عناصر دینی و شبه‌دینی باهدف یافتن اصلی‌ترین تفاوت‌ها و تشابهات در نگرش سید مرتضی آوینی و محمد مدد پور به سینمای دینی و تحلیل انتقادی دیدگاه‌های این دو نظریه پرداز مورد تحقیق قرار گیرد. به این منظور، رابطه سینما و دین، نظرات مشترک و امکان تحقق سینمای دینی در دیدگاه شهید سید مرتضی آوینی و مرحوم محمد محمد پور مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش این پژوهش بر مبنای هدف بنیادین است و به لحاظ روش اجرایی از شیوه توصیفی تطبیقی بهره برده است. جامعه هدف پژوهش مطالعات سینمای دینی و آثار و تألیفات این دو نظریه پرداز به زبان فارسی بوده است. پرداختن به نظریات مدد پور به واسطه نگاه حکمی و فلسفی و همچنین تلاش برای گسترش و تعمیق نظریات شهید مرتضی آوینی رخ داده است. روش انجام پژوهش این گونه است که ابتدا آثار مکتوب نظریه پردازان سینمای دینی به صورت کامل تحلیل شده است. سپس، عوامل تطبیق از میان آثار استخراج شده است و نظرات دو طیف نظریه پردازان در خصوص آن بیان شده است. دو عامل تطبیق، "رابطه سینما و دین" و "نسبت میان فرم و محتوا"، در سینمای دینی بوده است. سپس، با توجه به تحلیل نظریات در خصوص این دو عامل، دیدگاه‌های طرح شده از سوی این دو نظریه پرداز مورد نقد قرار می‌گیرد و نقاط قوت و ضعف نظریات بررسی می‌شود.

کلیدواژه: سینمای ایران - سینمای غرب - سینمای دینی - اسلام - مسیحیت

مقدمه

"دین" از بدو پیدایش انسان همراه او بوده و همواره نقش مهمی در زندگی آدمی داشته است چراکه اولین انسان فرستاده خدا بود و آئین الهی را برای اداره زندگی بشر به ارمغان آورد. حتی در عصر مدرن که سکولاریسم و لائیسزم، عملاً عنان جوامع غربی را در دست داشته است، باز هم تأثیر دین در جامعه انسانی قابل توجه بوده است. البته واضح و مبرهن است که در دوران پسامدرن توجه بیشتری به دین و معنویت شده است؛ چراکه در این دوران تفرعن مدرنیته و اومانیزم همه جانبه با ظهور ماشینیسیم و تکنولوژی مخرب و آلودگیهای منبعت از آن کاملاً تجلی یافت، خطرات و مضرات، مدرنیته به ظهور کامل رسید اندیشمندان به وجوه منفی مدرنیته بیشتر توجه کردند لذا نوعی بازگشت معنا به دین و سنن پیشین در میان ابنای آدم زنده شد. این روند در ناحیه استراتژیک غرب آسیا با پیروزی انقلاب دینی مردم مسلمان ایران در مقابل تکنولوژی و قدرت اطلاعاتی غرب تشدید شد و قدرت اجتماعی و سیاسی دین، بیش از گذشته به اثبات رسید.

در طول تاریخ برخی، دنیا مداران از نام "دین" سوء استفاده کرده و توهمات و جعلیات خود را به نام دین به مردمان قالب کرده‌اند. غالباً این اشتباه راهبردی وجود داشته است که ماهیت مسیحیت ممسوخ و یهودیت دنیاگرا و آئینهای شرقی، با اسلام یکی پنداشته شده است؛ در حالی که بنا به اعتقاد، قرآن ماهیت ثابت "دین" در کل تاریخ یکسان بوده است دین یا به تعبیری